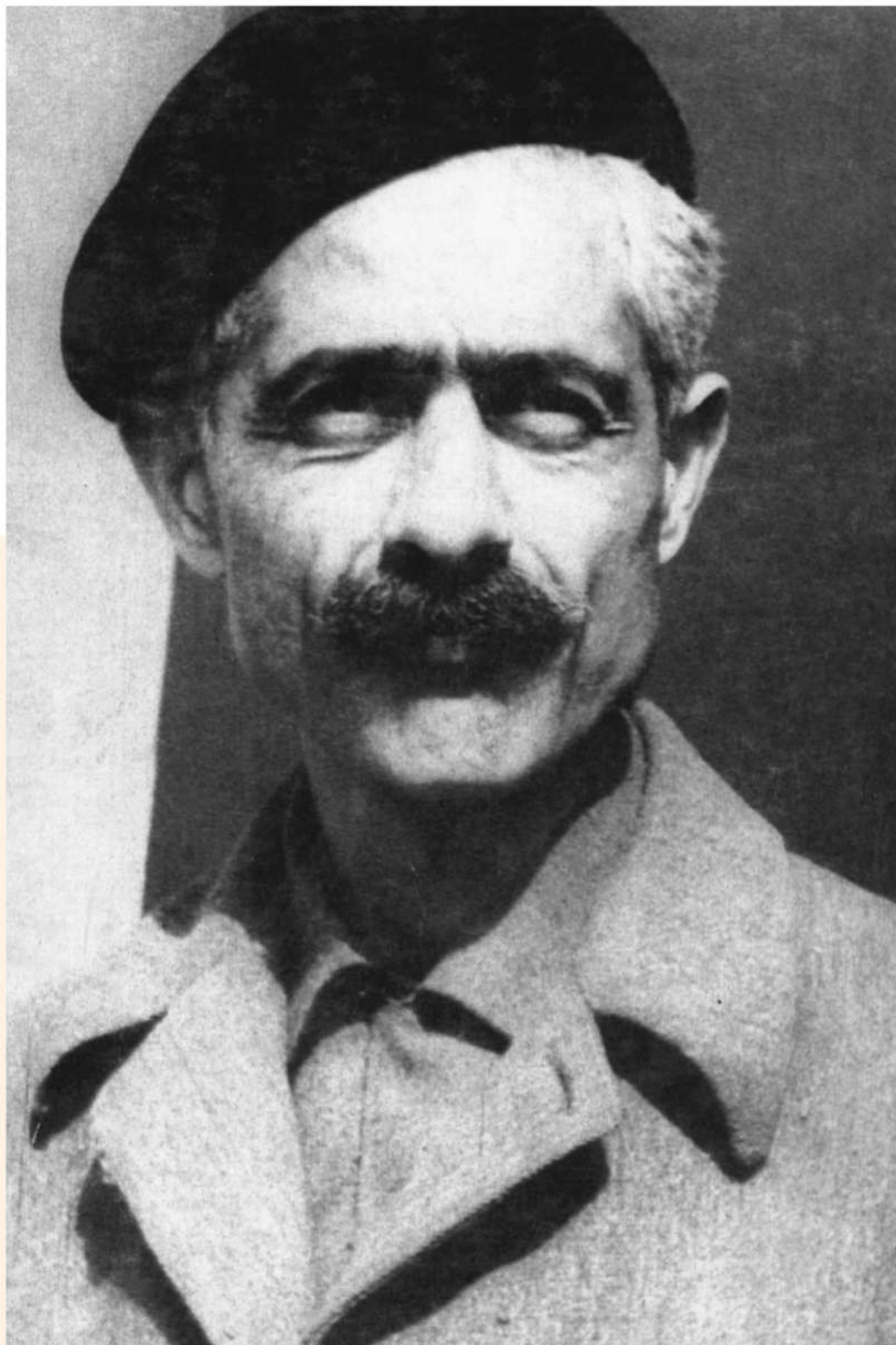


جلال

حسن ابراهيم زاده

وروشش فكري و پيمار



به مناسبت سالروز درگذشت جلال آل احمد

طبقه‌ی روشن فکر بیمار قبل از انقلاب که هیچ‌گاه به نقد حاکمیت طاغوت در عصر ستم‌شاهی نپرداخته بود، در گردشی صد و هشتاد درجه‌ای به یاری روشن فکر بیمار نوظهور در دهه‌ی دوم انقلاب به میدان آمده بود

قرائت‌های مختلف به میان عامه‌ی مردم قبل از چکش خوردن هر برداشت و زاویه‌ی دیدی در محافل خواص تأکید نمودند و آشفته‌بازاری به نام آزاداندیشی را نوعی «قانون گریزی» در عرصه علم به تصویر کشیدند.

رهبر انقلاب، در مقابل نقد نادرست مبانی دینی و فرهنگ و آداب مردم توسط این قشر نوظهور و مجبور شدن این قشر سطحی‌نگر که تنها با بازی کردن با الفاظ و نگاه و کارکردی ژورنالیستی به مفاهیم، در پاسخ به نامه‌ی فضلالی حوزه‌ی علمیه‌ی قم خواستار اهتمام فضلا و اندیشمندان و نخبگان حوزه‌ی و دانشگاهی برای ایجاد فضایی شدند که در آن فضا نخبگان، آزادانه به نقد مؤلفه‌ها و مقوله‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف بپردازند. رهبر معظم انقلاب در مقابل گسست این قشر نوظهور از دین، فرهنگ و آداب مردم و شکل‌گیری طبقه‌ای که رو به قبه‌ی لیبرال دموکراسی، تمدن غرب را مدینه‌ی فاضله‌ی معرفی می‌کردند، مقوله‌ی «خودی» را مطرح و بر تمایز قائل شدن فرهنگ خودی از غیر خودی در همه‌ی حوزه‌ها و ساحت‌ها انگشت نهادند. جالب آن‌جاست که طبقه‌ی روشن فکر بیمار قبل از انقلاب که هیچ‌گاه به نقد حاکمیت طاغوت در عصر ستم‌شاهی نپرداخته بود، در گردشی صد و هشتاد درجه‌ای به یاری روشن فکر بیمار نوظهور در دهه‌ی دوم انقلاب به میدان آمده بود و برای اولین بار به نقد حاکمیت دینی نظام مقدس اسلامی پرداخت و نه تنها نتوانست، جایگاه خود را تثبیت کند، بلکه در تثبیت اندیشه‌های روشن‌فکری بیمار پس از انقلاب نیز، کاری از پیش نبرد و ماهیت دین‌ستیزانه‌ی خود را بیش از پیش نمایان ساخت. حرکت‌های هوشمندانه‌ی رهبر معظم انقلاب در کنار اهتمام فرزندان امام و انقلاب در شش سال گذشته در عرصه‌ی تدریس و تحصیل و شکل‌گیری نهادها و انجمن‌های علمی از سوی روشن‌فکری دینی، تا بدان‌جا پیش رفت که امروز به شدت روشن‌فکری بیمار را به چالش کشانده است، به گونه‌ای که این روشن‌فکری بیمار، بی‌مایه، احساسی، سطحی‌نگری و غریزده، در فراری رو به جلو و گریختن از مناظره و گفت‌وگو در حوزه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... برآن است، دست به «انتحاری سیاسی» بزند و بیش از پیش آبروی خود را در برابر مداران و مردم نجیب و پای‌بند به آداب و رسوم خود نبرد.

پی نوشت:

۱. جلال آل احمد، خدمت و خیانت روشن‌فکران، ص ۴۶.

مقوله‌ی «روشن‌فکری بیمار»، مقوله‌ای است که رهبر معظم انقلاب، چند سال پیش در بین دانشجویان، پیرامون آن سخن به میان آوردند و به تبیین شاخصه‌های آن پرداختند. رهبر معظم انقلاب، عزلت و انزوا در دوره‌ی رویارویی طلاب و دانشجویان با نظام ستم‌شاهی را از شاخصه‌های این روشن‌فکری برشمردند، و در این بیانات، به صراحت به روشن‌فکری اشاره کردند که به جای لمس میله‌های سرد زندان و شکنجه‌های رژیم سفاک پهلوی، به کافه نشینی و گفتگو پیرامون واژگانی بیهوده می‌پرداختند و این سیره‌ی کسانی بود که با بستن چشم بر روی جنایات رژیم، خود را «روشن فکر» جامعه معرفی می‌کردند.

جلال آل احمد، در تبیین شاخصه‌های روشن‌فکری ایران، مبارزه‌ی این قشر با مذهب، زبان، تاریخ، اخلاق و آداب مردم را به نام «علم»، «دموکراسی»، «آزاداندیشی»، نه از سر دوست داشتن علم، دموکراسی و آزاداندیشی، بلکه از عجز و ناتوانی در برخورد با رژیم دیکتاتوری پهلوی به تحلیل می‌گذارد و در این خصوص می‌نویسد:

«روشن فکر، در ایران کسی است که در «نظر» و «عمل» به اسم برداشت «علمی»، اغلب برداشت استعماری دارد، یعنی از علم و دموکراسی و آزاداندیشی در محیطی حرف می‌زند که علم جدید در آن هنوز پا نگرفته و مردم (بومی‌اش) را نمی‌شناسد، تا ایشان را لایق دموکراسی بدانند- آزاداندیشی را هم نه در قبال حکومت‌ها بلکه فقط در قبال بنیادهای سنتی (مذهب- زبان- تاریخ- اخلاق- آداب) اعمال کند، چون به کار انداختن آزاداندیشی در قبال حکومت و بنیادهای استعماری و نیمه استعماری‌اش دشوار است»^(۱)

گذشته از تأکید جلال آل احمد بر عجز «روشن‌فکری بیمار» در قبال حکومت دیکتاتوری پهلوی، چند نکته‌ی دیگر در این بیان کوتاه جلال، قابل مذاقه و کنکاش است:

الف: برداشت استعماری از مقوله‌ای بنام علم.

ب: عدم رعایت قانون گفت‌وگو و قواعد سیر تحول علمی.

ج: عدم درک درست از دین و عدم شناخت از فرهنگ و آداب مردم.

د: گسست از مردم و شکل‌گیری طبقه‌ای خاص. در دهه‌ی دوم انقلاب و در آستانه‌ی مجلس پنجم و با به میان آمدن مقوله‌ی «توسعه‌ی اقتصادی»، روشن‌فکری بیمار، در بعد از انقلاب ایران متولد شد که شباهت‌های بسیاری به روشن‌فکری عصر جلال آل احمد دارد. از شاخصه‌های بارز این روشن‌فکری، نداشتن پیشینه‌ی مبارزاتی با رژیم، هم‌گام با مردم و عدم حضور در میادین نبرد هشت سال دفاع مقدس است. این قشر که حضور جوانان دل‌سوز انقلاب در اقصی نقاط ایران و نیز تکلیف

مداری جوانان با حضور در جبهه‌های نبرد، عملاً زمینه‌ی رشد تحصیلی و اخذ مدرک را برای آنان مهیا کرده بود، به سرعت توانست با اخذ مدرک بر پست‌های مدیریتی کشور چنگ بزند و ساختار مدیریت میانی کشور را به‌دست گیرد و هرگز جرأت رویارویی علنی با فرهنگ، آداب و مبانی دینی مردم را نداشت که متأسفانه و یا خوشبختانه، این فرصت را شعارهای خرداد هفتاد و شش به این طبقه‌ی نوظهور داد که ضمن علنی کردن برداشت غرب‌گرایانه از مقوله‌ی «علم»، نادیده گرفتن قواعد مناظره و گفتگو، ارائه‌ی قرائت‌های مبتذل از آموزه‌های دینی و توهین به فرهنگ و آداب مردم با جداسدن از مردم، خود را قشری «فره‌یخته» و «خردمند» بنامند که عامه‌ی مردم درک درستی از دل‌سوزی‌های آنان در اجرای دموکراسی ندارند!

رهبر معظم انقلاب، درست یک سال پس از موضع‌گیری‌های علنی این قشر نوظهور، در ۱۳۷۷/۲/۲۲ نخست تعریفی جامع و عمیق از مقوله‌ی روشن‌فکری ارائه دادند و فرمودند:

«به نظر ما در روشن‌فکری به معنای حقیقی کلمه، نه ضدیت با مذهب هست و نه ضدیت با تعبد، یک انسان می‌تواند روشن فکر باشد، به همان معنایی که همه روشن فکر را تعریف کرده‌اند»

رهبر معظم انقلاب، در راستای تنویر افکار عمومی، خصوصاً قشر جوان و تحصیل کرده و برای عدم تکرار جریان روشن‌فکری بیماری که در قبل از انقلاب، شمشیر را برای دین، آداب و سنن پذیرفته شده‌ی ملی از رو بسته بود و به عبارتی دیگر شکل‌گیری روشن‌فکری با همان شاخصه‌هایی که جلال آل احمد برآن تکیه کرده بود، در حرکتی بس خردمندانه و هوشمندانه، چند مؤلفه را در مناسبت‌های گوناگون مطرح و جامعه‌ی علمی و نخبگان و تشنگان نوآوری را به سوی هدف‌مند شدن سیر روشن‌فکری دینی هدایت، و از رجعت‌طلبی برخی پس از حاکمیت دین بر تمام شئون زندگی جلوگیری کردند.

رهبر انقلاب، در برابر برداشت‌های استعماری و غرب‌گرایانه از مقوله‌ی علم که توسط برخی در محافل علمی و دانشگاهی دنبال و رویکرد به «تمدن غربی» را تجویز می‌کردند، مقوله‌ی «تولید فکر»، «آغاز جنبش نرم‌افزاری» بر پایه‌ی اصول اسلامی و در راستای تضحی‌گری «تمدن اسلامی» تأکید کردند.

- معظم له، در برابر حاکمیت غوغاسالارانه و هیاهوی سیاسی‌کارانه‌ی برخی در مطبوعات زنجیره‌ای، در برخورد با مفاهیم دینی و علمی، در جمع جوانان پُرشور اصفهان، به رعایت قانون مناظره و گفتگو و عدم کشاندن شبیهات و